روزنامه قدس 1389.9.14

**تبليغ بستر رشد و ترويج معارف ديني**

**بررسي تحول در عرصه تبليغ بعد از انقلاب اسلامي در گفتگو با دکتر ايزدهي**

**\* سيد جواد ميرخليلي**

نزديک شدن به ايام تبليغي ماه محرم باعث شد تا گفتگويي را با حجةالاسلام والمسلمين سيد سجاد ايزدهي، استاديار پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامي در خصوص تحول در يکي از مهمترين کارويژه هاي روحانيت در بعد از انقلاب اسلامي، يعني تبليغ انجام دهيم. لازم به ذکر است که وي علاوه بر نگارش مقالات متعدد در نشريات علمي کشور، صاحب تأليفات متعددي در حوزه فقه سياسي نيز مي باشد که از جمله آنها مي توان به کتاب نظارت بر قدرت در فقه سياسي اشاره کرد که تاکنون در جشنواره ها و همايش هاي متعدد کشوري صاحب عنوان شده است. همچنين دکتر ايزدهي در حال حاضر عضو گروه فقه سياسي پژوهشکده علوم و انديشه سياسي پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامي نيز هست.

نهاد اجتماعي تأثيرگذار در جامعه ديني

سازمان روحانيت به عنوان نهادي اجتماعي و تأثيرگذار در جامعه ديني، بخصوص در جامعه شيعي ايران، از جايگاه والايي برخوردار بوده و از ديرباز، کارويژه هايي را در راستاي توسعه دينداري، تبيين و ترويج شريعت و پاسخگويي به مشکلات ديني جامعه مؤمنان بر عهده داشته است. کارکرد اين نهاد که نه از سر دغدغه صنفي يا شغلي، بلکه در راستاي اهداف ديني، متصدي سامان يافتگي دين در گستره امور فردي و اجتماعي جامعه بوده و هست، مرهون دلباختگي افرادي در داخل اين نهاد به مباني و آموزه هاي شريعت و توسعه و ترويج فرهنگ دينداري در جامعه و دفاع از کيان دين اسلام و مذهب شيعه است.

دکتر سيد سجاد ايزدهي در اين رابطه مي گويد: عالمان شيعي که از يک سو، تبيين کنندگان و مروجان مذهب شيعه بوده و از سوي ديگر در زمره مدافعان حريمِ آن از شر مهاجمان فرهنگ بيگانه و بدعت گزاران و خرافه پرستان، محسوب مي شوند، در طول تاريخ و در ذيل حاکميت حاکمان جائر، ضمن حفظ استقلال فکري، عملي و اقتصادي ، کارويژه هايي را براي خويش و در راستاي تحقق اهداف دين اسلام و مذهب شيعه رقم زدند که يکي از مهمترين اين کارويژه ها، تبليغ آموزه هاي دين و شريعت است.

وي در ادامه مي افزايد: توسعه و تعميق فرهنگ دينداري و گسترش دامنه دينداران، از اساسي ترين اهدافي است که در دين اسلام و بنا بر اصل دعوت، مورد تأکيد قرار گرفته و نهاد روحانيت، بدين جهت، خويش را موظف به تبليغ آموزه هاي دين و شريعت در ميان مردم مي داند.

اين پژوهشگر و محقق حوزوي اظهار مي دارد: اگرچه اين کارويژه ها، همواره و در طول حيات شيعه، در ذيل نهاد روحانيت جاي داشته و حوزه هاي علميه و در رأس آنها، مراجع تقليد، به عنوان نقطه ثقل اين سازمان، سياستگذاري، تصميم گيري و هماهنگي هاي مورد نياز، اداره مطلوب و به سامان جامعه شيعه، در راستاي وصول به اهداف شريعت را عهده دار بوده اند؛ لکن با عنايت به اينکه نهاد روحانيت و حوزه هاي علميه، تا قبل از پيروزي انقلاب اسلامي، همواره در ذيل حاکميت جور، به امور خود مي پرداخت و به علل متفاوتي چون غلبه فضاي تقيه، حداقلي بودن مذهب شيعه در جامعه، عدم رسميت مذهب شيعه، قادر نبودند، از ظرفيتهاي خويش به خوبي استفاده کرده و کارويژه هاي خويش را در سطح حداکثري به اجرا در آورند.

او ادامه مي دهد: بر همين اساس اين نهاد، همواره کارويژه هاي خويش را به مديريت امور فردي مؤمنان، محدود کرده و به تعامل دو جانبه ميان «مرجع تقليد- مقلد» بسنده مي کرد و در اين ميان، گرچه در برخي از اوقات، حيثيت اجتماعي، مکلفان نيز مورد عنايت قرار مي گرفت، اما کارکرد روحانيت و به صورت خاص، حوزه فقه و اجتهاد، به عنوان نماد روحانيت در عصر غيبت، عمدتاً بر امور فردي متمرکز بود.

استاد حوزه و دانشگاه تصريح مي کند: با پيروزي انقلاب اسلامي و حاکميت نظريه ولايت فقيه به عنوان نظريه سياسي شيعه در مديريت جامعه در عصر غيبت بر ارکان نظام سياسي، کارکردهاي نهاد روحانيت، از تحول عميق، کمي و کيفي بسيار برخوردار شد.

**تحول در سطح انتظارات از حوزه و روحانيت**

دکتر ايزدهي با اشاره به پيروزي انقلاب اسلامي و تأثير آن بر سطح انتظارات از روحانيت مي گويد: پيروزي انقلاب اسلامي باعث شد، در حالي که سطح انتظار از عالمان و حوزه علميه شيعه، در گذشته پاسخگويي به نيازهاي جامعه محدود مؤمنان بود، اين نيازها به محدوده جغرافيايي وسيع و نيازمنديهاي همه جانبه شؤون اداره کشور ايران و روابط آن با ساير کشورها توسعه يافت.

او مي افزايد: طبيعي است سطح انتظارات جديد، گستره مخاطبان متنوع، جايگاه نوين حوزه علميه و روحانيت به عنوان صاحبان انقلاب و ظرفيتهاي وسيعي که در سايه انقلاب به جهت کارکرد روحانيت ايجاد شد، مستلزم تحولات جدي در نهاد روحانيت و حوزه علميه به عنوان پشتوانه فکري، مذهبي و اعتقادي بود و در حالي که برخي از اين تحولات، زاييده تشکيل اصل نظام اسلامي مبتني بر ولايت فقيه و گستره کمي، کيفي سطح انتظارات بود، بسياري از اين تحولات، مرهون عنايت و تدبير ولي فقيه و رهبر نظام اسلامي است که به عنوان فردي روحاني و فقيه، از حوزه علميه برخاسته و جامعه را مطابق آموزه ها و اهداف شريعت، راهبري مي کند.

حجةالاسلام ايزدهي ادامه مي دهد: تبليغ آموزه هاي دين و شريعت که از آغاز به عنوان کارکرد اساسي سازمان روحانيت، تلقي مي شد؛ از ساليان دور مورد عنايت روحانيت قرار داشته و آنان ضمن اينکه آموزه هاي شريعت براي معتقدان به مذهب را مد نظر خويش قرار داده بودند انجام صحيح مسايل شريعت و مناسک مذهب را نيز مد نظر داشتند.

او تأکيد مي کند: اين امر علاوه بر اينکه بر توسعه و عمق دينداري جامعه ديندار، مي افزود، هويت آنان را در برابر مذاهب و اديان ديگر حفظ مي کرد و استقلال فرهنگي، هويتي آنان را در زمان حاکميت حاکمان جائر، تضمين مي کرد. همچنين جلب نوآيينان به دين اسلام و استبصار غيرشيعيان، مي توانست بخشي از کارکرد تبليغي آنان محسوب شود.

تحول در مقوله تبليغ بعد از انقلاب اسلامي

به گفته عضو هيأت علمي پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامي، مقوله تبليغ دين اسلام و مذهب شيعه که در سالهاي قبل از تأسيس نظام سياسي مبتني بر ولايت فقيه، به صورت فردي و در منطقه جغرافيايي محدود و بنا بر دغدغه هاي ديني روحانيت صورت مي پذيرفت، در سالهاي پس از انقلاب، پاي را از مناطق تبليغي سابق فراتر گذاشته، طيف متنوعي از مخاطبان را تحت پوشش قرار داد.

دکتر ايزدهي در اين رابطه مي گويد: اين مخاطبان جديد در مناطقي چون دانشگاهها، ارتش و سپاه واجد اعضايي عمدتاً جوان و جوياي معارف اسلام ناب بودند و حضورشان در مجامع مذهبي، کم رنگ تر مي نمود، از اين رو در سايه حضور روحانيت و تعامل با اين افراد، ضمن اينکه تبيين هويت مذهب شيعه، گستره وسيع تري يافت، بسياري از مباني انقلاب نيز تبيين شده و از بسياري شبهه ها، ابهام زدايي صورت گرفت بلکه در سايه تخصصي شدن دانش ها در سازمان روحانيت، تبليغ در بسياري از اين سازمانها و نهادها، حيثيت تخصصي يافته؛ به عنوان نمونه مباحث تحت عنوان نظام سياسي اسلام، مهدويت يا مباحث کلام جديد، به بحث گذاشته شده است.

تبليغ در عرصه بين الملل

استاد حوزه و دانشگاه در رابطه با تبليغ دين در عرصه بين الملل تصريح مي کند: آنچه افزون بر توسعه سطح مخاطبان در داخل کشور مي تواند در عرصه تبليغ مورد توجه قرار گيرد، اين است که در سايه صدور انقلاب، مبلغان، پاي از منطقه جغرافيايي محدود کشور ايران، فراتر گذاشته و بسياري از کشورهاي جهان را تحت پوشش قرار دادند. اين امر از دو سو مورد توجه قرار مي گرفت. از يک سو، مسلمانان و شيعيان ساير کشورها براي حفظ هويت خويش نيازمند رفع شبهات ديني بودند و از طرف ديگر، تبليغ به جهت دعوت افراد غيرمسلمان به اسلام و غيرشيعه به آموزه هاي اين مذهب، امري مورد تأکيد بوده است.

وي مي افزايد: بر خلاف ساليان قبل از انقلاب که تبليغ براي افراد خارج از کشور، متصدي نداشته بلکه با موانع جدي مواجه بوده است، اين قضيه در زمان حاکميت نظام اسلامي به صورت عملياتي درآمد.

ايزدهي اظهار مي دارد: طبيعي است با توجه به اينکه تبليغ آموزه هاي شريعت، براي افراد غير همزبان، مستلزم فراگيري زبان آنهاست، نهادها و آموزشگاه هايي جهت آموزش زبان خارجي و البته، آموزش تخصصي تبليغ در آن جوامع، ايجاد شد تا به اين فرايند کمک رساند.

وي ادامه مي دهد: توسعه کمي و کيفي تبليغ دين در سالهاي اخير و کارکردهاي ديگري که براي تبليغ در اين سالها ايجاد شده است، جز با تأسيس نظام اسلامي در قالب نظريه ولايت فقيه تحقق خارجي نداشت.